

واکاوی مقام رضوان در ابعاد وجودی حضرت زینب علیها السلام
«مطالعه موردی: خطبه‌های کوفه و شام»

ربابه عزیزی^۱

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۹/۲۲ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۱۱/۲۴)

چکیده

بررسی شخصیت حضرت زینب علیها السلام در واقعه کربلا، تضادی از عواطف و تکالیف را به تصویر می‌کشد. یکی از ابعاد شخصیت آن حضرت نهادینه شدن مفهوم «رضای الهی» در شخصیت ایشان است که نمود آن در خطبه‌های کوفه و شام ایشان قابل ملاحظه است. مقاله حاضر ابتدا به روش توصیفی - معناشناسی کلمه «رضا» در قرآن کریم و سپس به روش تحلیلی مفهوم «رضا» در شخصیت ایشان را در سه بعد روحی - معنوی، شناختی و عاطفی مورد بررسی قرار داده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که انسانی که به مقام رضوان الهی دست یافته دارای ویژگی‌هایی هم‌چون ایمان، عمل صالح، دستیابی به نفس مطمئنه و جهاد در راه خدا است و این ویژگی‌ها در ابعاد وجودی حضرت زینب علیها السلام مشهود است. بررسی خطبه‌ها نشان می‌دهد که ایشان با وجود سختی‌های بسیاری که در واقعه کربلا دیده بود برای رضای الهی به هنگام اسارت با ایراد خطبه‌هایی در کوفه و شام ابعادی از مدیریت جریان مخالف را به تصویر کشید تا نشان دهد هوش هیجانی در ایشان بالا است.

کلید واژه‌ها: حضرت زینب علیها السلام، خطبه کوفه و شام، مقام رضوان، معناشناسی رضوان.

مقدمه

زندگینامه شخصیت‌های برجسته دینی - ملی برای تمام مخاطبان قابل احترام و سبک زندگی ایشان مهم بوده است. رفتار حضرت زینب علیها السلام به‌ویژه در واقعه کربلا به‌گونه‌ای است که علی بن حسین علیه السلام به حضرت می‌فرماید: «یا عَمَّه أَنْتِ بِحَمْدِ اللَّهِ عَالِمَةٌ غَيْرُ مُعَلِّمَةٍ فَهَمَّةٌ غَيْرُ مُفْهَمَةٍ» (طبرسی، ۱۴۰۳: ۳۰۵/۲). کلمه «فَهِم» و «فَهْمِیه» به معنای علم و درک چیزی با قلب است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۴۵۹/۱۲). بنابه گواه مورخان و پژوهشگران معاصر، حضور حضرت زینب علیها السلام در کربلا موجب شد تا وقایع آن با کم‌ترین کاستی و با روایت‌گری صحیح ایشان در اختیار مسلمانان قرار گیرد. تحلیل‌گران شیعه نیز معتقدند که سکان‌داری ولایت و امامت در فاصله‌ای کوتاه و گذرا از امام حسین علیه السلام به ایشان واگذار شد.

شخصیت حضرت زینب علیها السلام نه تنها برای شیعیان بلکه برای اندیشمندان اهل سنت و مسیحی هم چون بنت‌الشاطی و آنتوان بارا جذاب است؛ این امر موجب نگارش کتاب‌ها و مقالات متعدد در رویکردهای گوناگون اعتقادی، اخلاقی، سبک زندگی و سلامت روان درباره ایشان شده است. حضرت زینب علیها السلام با ویژگی‌هایی مثل صبر، شجاعت، عقیده بنی‌هاشم و به‌عنوان یکی از ادبای بلیغ عرب شناخته شده اما ویژگی «رضا» که در تعالیم دینی از جایگاهی والا برخوردار است، درباره حضرت کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است. بدین جهت مقاله حاضر ابتدا با معنانشناسی آیات رضوان الهی به توصیف این ویژگی می‌پردازد، سپس با تکیه بر خطبه‌های کوفه و شام ابعاد روحی، شناختی و عاطفی حضرت زینب علیها السلام را با توجه به مقام رضوان الهی بررسی می‌نماید.

پژوهش‌های متعددی درباره ابعاد شخصیتی حضرت زینب علیها السلام صورت گرفته است. مقالات «الگوی رفتاری حضرت زینب علیها السلام» خانجی (۱۳۹۱)، «ولایت‌مداری حضرت زینب علیها السلام» معتمد لنگرودی (۱۳۹۸)، «بازخوانی جلوه‌های مقاومت در خطبه‌های حضرت زینب علیها السلام و شعر عاشورایی الهامی» حیدری و همکاران (۱۳۹۹)، «روابط عاطفی حضرت زینب علیها السلام و امام حسین علیه السلام با تاکید بر واقعه عاشورا» سلیمی و طاوسی مسرور (۱۳۹۸)، «سیاست‌های مزورانه اموی برای تحریف واقعه کربلا و روشنگری‌های



حضرت زینب علیها السلام «آزادی و همکاران (۱۳۹۹) و «بررسی تحلیلی خطبه‌های حضرت زینب علیها السلام و ارائه راهکارهایی به نظام تعلیم و تربیت کشور» سبحانی‌نژاد و همکاران (۱۳۸۷) به‌ترتیب به ابعاد رفتاری، شناختی، عاطفی و رویکردهای سیاسی و تربیتی حضرت زینب علیها السلام اشاره کرده‌اند. تمایز مقاله پیش‌رو با نگارش‌های پیشین آن است که ابتدا واژه «رضوان» از قرآن استخراج و معناشناسی می‌شود و سپس با ابعاد وجودی ایشان با تکیه بر خطبه‌ها مورد بررسی تطبیقی قرار می‌گیرد.

«رضوان» از نظر لغت و اصطلاح

ریشه «رضو» ضد سخط (خشم شدید) (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۲۳/۱۴؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ۴۰۲/۲) و به‌معنای اختیار نمودن و تمایل به چیزی است (مقری فیومی، ۱۴۱۴: ۲۲۹/۲؛ مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱۶۱/۴). کلمه «رضا» با کلماتی مثل «موافقت»، «حب» و «طاعت» هم‌معنی است؛ اما تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند. موافقت اعم از رضا است؛ چرا که رضا به‌معنای امری مطابق با میل است ولی موافقت می‌تواند موافق با میل نباشد و فقط به‌معنای موافقت در مقابل عدم موافقت است. کلمه حبّ به‌معنای دوست داشتن شدید در مقابل بغض و دشمنی است و فرقی نمی‌کند موافق امری باشد یا نباشد و کلمه طاعت مقابل عصیان است حال چه مطابق میل باشد یا نباشد؛ پس در کلمه «رضا» دو ویژگی «موافقت» و «حبّ و میل» وجود دارد که موجب اختیار و انتخاب انسان می‌شود و انسان به‌جهت شادی که از آن کسب می‌کند آن را اختیار می‌نماید (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱۶۱/۴). کلمه «رضوان» از ریشه «رضو» مصدری بر وزن «فعلان» به‌معنای خشنودی زیاد است و چون بزرگ‌ترین رضوان خشنودی خدا است، به ایشان منتسب یافته و بندگان در پی کسب رضوان الهی هستند «يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانًا» (فتح/۲۹؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۵۶؛ مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱۶۲/۴).

۲. بسامد ریشه «رضو» در قرآن

به‌طور کلی ریشه «رضو» ۷۳ مرتبه در قرآن آمده که ۲۲ مرتبه آن در صیغه‌های فعل

ماضی همچون اَرْتَضَى، رَضِیْتُم، ۲۱ مرتبه فعل مضارع در ساخت‌های تَرَضَوْا، تَرَضَوْنَ و تَرَضَوْنَهَا، ۱۳ مرتبه در ساخت اسم مثل راضِیَّه و مَرَضِیَّه و ۱۳ مرتبه نیز در مصدر رَضُوا آمده است.

۳. ابعاد وجودی انسان

روانشناسی رشد از جمله علومی است که موضوع آن انسان، چگونگی رشد انسان در سنین مختلف، عوامل رشد، تأثیر نهاد (خود انسانی)، خانواده، محیط و تربیت بر رشد انسان و بررسی ابعاد وجودی انسان در دوران کودکی، نونهالی، نوجوانی، جوانی، میان‌سالی و پیری است (نک: برک، ۱۳۸۹: ج ۱ و ۲.....ص...). که ابعاد وجودی انسان در دوره‌های مختلف را به سه بُعد جسمی، ذهنی - شناختی و عاطفی تقسیم می‌کند. در قرآن کریم علاوه بر این سه بعد، به بعد روحانی نیز توجه شده است که آیه «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (ص/۷۲) به آن اشاره دارد. در بین ابعاد یاد شده تنها سه بعد روحی، شناختی و عاطفی در شخصیت حضرت زینب علیها السلام بررسی می‌شود؛ چرا که بعد جسمی را نمی‌توان با تحلیل خطبه‌های کوفه و شام استنتاج کرد.

مقام «رضوان» در قرآن

ابزارهای مختلفی برای فهم و بازکاوی مفاهیم قرآنی وجود دارد؛ یکی از ابزارهای مناسب و کارآمد، معناشناسی است. مقصود از معناشناسی، مطالعه علمی معنا است (صفوی، ۱۳۸۷: ۲۷). معناشناسی از منظر زبان‌شناسی، دانشی است که به بررسی معنا در زبان می‌پردازد یا شاخه‌ای است که شرایط لازم در رمز را بررسی می‌کند تا قادر به حمل معنا باشد. در معناشناسی زبانی برای فهم معنا از روابط هم‌نشینی و جانشینی استفاده شده که به ترکیب و چینش واژگان در کلام مربوط می‌شود. محور هم‌نشینی (مجاورت)، همان محور افقی کلام است که اجزای آن در کنار هم قرار می‌گیرند و عبارت به صورت خطی یا افقی بررسی می‌شود و به دامنه معانی می‌افزاید؛ ولی در محور جانشینی (مشابهت)، عبارت به صورت عمودی در نظر گرفته می‌شود؛ به گونه‌ای



که اگر یک واژه در عبارت قرار گیرد، واژگان مرتبط با آن نمی‌توانند در کنار آن واقع شوند و باعث چند معنایی می‌شود (احمدی، ۱۴۰۰: ۳۳)؛ بنابراین مفهوم هم‌نشینی ارتباط یک عنصر زبانی با سایر عناصر تشکیل دهنده زبانی است، در حالی که اصطلاح جانشینی رابطه یک عنصر با سایر عناصری است که می‌توانند جایگزین آن شوند. توجه به واحدهای هم‌نشین موضوع مدنظر، معنای آن را برای مخاطب بهتر تبیین می‌کند (پالمر، ۱۴۰۰: ۱۵۹). در ادامه کلماتی که هم‌نشین واژه رضوان هستند مورد بررسی قرار می‌گیرد تا بتوان به معنای رضوان الهی بنا بر آیات قرآن دست یافت.

انسانی که خواهان دستیابی به مقام رضوان است بایستی ویژگی‌های زیر را داشته باشد: (۱) مؤمن باشد (توبه/۷۲)؛ (۲) عمل صالح داشته باشد (بینه/۸-۷، بقره/۲۵، آل عمران/۵۷، مائده/۹). در این آیات ایمان و عمل صالح با هم هم‌نشین رضوان الهی هستند به همین دلیل برخی معتقدند که همراهی عمل صالح با ایمان نشان می‌دهد که ایمان زبانی به تنهایی کافی نیست و بایستی در عمل به صورت کارهای نیک و شایسته عملی شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۰۹/۲۷؛ قرائتی، ۱۳۸۳: ۸۰/۱؛ ۳) تقوا داشته باشد (آل عمران/۱۵). از سیاق آیه شریفه استنباط می‌شود که انسان‌های متقی دوست دارند رضوان را داشته باشند و به نوعی یکی از خواست‌های ایشان از خداوند است؛ (۴) عابد بودن (فتح/۲۹): به گونه‌ای که در اثر عبادت زیاد آثار عبادت در چهره (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۹۲/۹) و یا رفتار ایشان آشکار است. بدین معنا که در رفتار و گفتار نسبت به خداوند متعال خشوع و خضوع دارند (مکارم شیرازی،: ۲۲، ص ۱۱۵؛ طباطبائی، ۱۴۱۷: ۳۰۰/۱۸؛ ۵) داشتن نفس مطمئنه (فجر/۲۸-۲۷): نفسی که با علاقه‌مندی و یاد پروردگارش سکونت یافته، به آنچه او راضی است رضایت می‌دهد و در نتیجه خود را بنده‌ای می‌بیند که مالک هیچ خیر و شری و نفع و ضرری برای خود نیست و نیز دنیا را یک امتحانی الهی می‌داند و در نتیجه اگر غرق در نعمت دنیایی شود، به طغیان و گسترش دادن به فساد و به علو و استکبار، وادار نمی‌شود، و اگر دچار فقر گردد این تهی دستی و ناملایمات او را به کفر و ترک شکر و انمی‌دارد، بلکه هم‌چنان در عبودیت پای‌برجا است و از صراط مستقیم منحرف نمی‌شود، نه به افراط و نه به تفریط (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۲۲۸/۲۰). (۶) داشتن خشوع



نسبت به خدا (بینه/۸): «خشیت» به معنای خوف از روی نادانی و جهالت نیست بلکه به معنای ترس شدید از چیزی به جهت بزرگی و عظمت آن است (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ۳۷۵/۱۹). انسان خاشع اگر مورد رضوان الهی است به خاطر این است که با تمام وجود قدرت و عظمت خداوند را درک می‌کند و این ترس همراه با سراسر عزت و احترام است (طباطبایی، ۱۴۱۴: ۳۴۰/۲۰؛ ۷) هجرت کردن و جهاد در راه خدا (توبه/۲۱-۲۰)؛ ۸) راست‌گویی که خشنودی خداوند را به همراه دارد (مائده/۱۱۹)؛ ۹) بیزاری از دشمنان خدا و رسولش. بنا بر اندیشه قرآن، کسانی که به خدا و روز رستاخیز ایمان واقعی دارند، به هیچ عنوان با دشمنان خدا و رسولش دوستی نمی‌کنند (مجادله/۲۲).

برای دستیابی به رضوان الهی چند نکته قابل توجه است: الف) ایمان به خدا و رسولش قابل جمع و دوستی با دشمنان ایشان نیست ولو دشمنان خدا و رسول، خانواده و قوم و خویش فرد باشد؛ ب) کسانی که ملتزم به دستور الهی هستند خداوند ایمان را در قلبشان ثابت کرده است؛ ج) خداوند با روح خود کمکشان می‌کند؛ د) خداوند ایشان را وارد بهشتی جاویدان می‌نماید؛ ه) خدا از ایشان و ایشان از خدا راضی هستند؛ و) این افراد در زبان قرآن به حزب‌الله معروف‌اند؛ ز) پیروزی و رستگاری واقعی از آن حزب‌الله است. بنابراین کسانی که مقام رضوان الهی می‌رسند که صفشان از صف کسانی که دشمنان خدا و رسول هستند جدا است.

ابعاد وجودی حضرت زینب علیها السلام

برای دستیابی به مقام رضوان الهی بایستی ویژگی‌هایی مثل ایمان، عمل صالح، جهاد و هجرت در راه خدا، صداقت، نفس مطمئنه و نظایر اینها که بدان اشاره شد، داشت. در ادامه ویژگی رضوان الهی در ابعاد وجودی حضرت زینب علیها السلام در سه بُعد روحی-معنوی، شناختی و عاطفی-هیجانی براساس خطبه‌هایی که ایشان بعد از واقعه کربلا در حضور مردم کوفه و در شام در مجلس یزید بن معاویه ایراد نمودند، بررسی می‌شود.

۱. ویژگی رضوان در بعد روحی - معنوی

بعد روحی-معنوی در نگاه قرآن، متفاوت از زندگی مادی انسان و آفرینش آن نیز

متفاوت از مراحل رشد جنین است (مؤمنون/۱۴)؛ به گونه‌ای که جوهره و هستی انسان از این بعد سرچشمه گرفته و حق حیات دارد. به فرموده قرآن هر چه در تربیت و تزکیه این بعد تلاش شود، انسان به نفس مطمئنه دست می‌یابد؛ نفسی که خالی از هر گونه اضطراب و نگرانی حتی در دشوارترین شرایط است و این نشان دهنده تعالی روح و معنویت در انسان است.

حضرت زینب علیها السلام با وجود اتفاقات ناگواری که برای خود و خانواده‌اش رخ داد اما در بدو ورود به کوفه و شام به سخنرانی پرداخت؛ سخنرانی‌ای که با حمد و ستایش خداوند شروع می‌شود و بیانگر آن است که وقایع رخ داده از ایمان ایشان نه تنها نکاسته بلکه آرامشی عطا نموده که نشان از امید به وعده الهی دارد. بنابراین پس از ورود به کوفه و دیدن نوحه و گریه کوفیان می‌فرماید: «ثُمَّ قَالَتْ بَعْدَ حَمْدِ اللَّهِ تَعَالَى وَالصَّلَاةِ عَلَى رَسُولِهِ ﷺ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۸/۴۵؛ طبرسی، ۱۴۰۳: ۳۰۴/۲). همچنین در شام وقتی یزید با چوب خیزران به دندان‌های امام حسین علیه السلام می‌زند و ایباتی مشرکانه را در مقام مخاطب به اجدادش می‌گوید، حضرت زینب علیها السلام می‌فرماید: «فَقَالَتْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۳۳/۴۵). چنین سخن گفتن نشان می‌دهد که نه تنها از خداوند کوچک‌ترین رنجشی ندارد بلکه به تمام بلاها و سختی‌هایی که در این مسیر متحمل شده به دیده رضا و کمال معنوی نگاه می‌کند.

حضرت زینب علیها السلام در خطبه شام در انتهای سخنان خود دوباره به حمد و ثنای الهی بازگشته و می‌فرماید: «فَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الَّذِي خَتَمَ لَأَوْلِنَا بِالسَّعَادَةِ وَالْمَغْفِرَةِ وَ لآخِرِنَا بِالشَّهَادَةِ وَ الرَّحْمَةِ وَ نَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُكْمِلَ لَهُمُ الثَّوَابَ وَ يُوجِبَ لَهُمُ الْمَزِيدَ وَ يُحْسِنَ عَلَيْنَا الْخِلَافَةَ إِنَّهُ رَحِيمٌ وَ دَوُدُ وَ حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ» (همان، ۱۳۵). خداوند را سپاس می‌گوید از این‌که برای اولین ایشان سعادت و مغفرت و برای آخرین ایشان شهادت را تقدیر نموده، سپس از خداوند برای ایشان درخواست تکمیل ثواب کردند. حضرت زینب علیها السلام امیدوار به آینده هستند و از خداوند درخواست خلافت می‌کنند و در پایان می‌گویند: «حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ». این عبارت نشان دهنده آن است که مجلس یزید برای دادخواهی و شنیدن صدای حق طراحی نشده بلکه برای تحقیر شهدای کربلا

است و یزید با توجه به صفاتی که تاریخ برایش یاد کرده شایستگی منصب قضاوت را ندارد؛ پس خداوند کافی و بهترین وکیل و یاور است.

استناد به آیات الهی در خطبه‌های حضرت زینب علیها السلام از دیگر نکات مهم است. انسانی که به مقام رضوان الهی رسیده، فرقی نمی‌کند در میدان جنگ شهید شود و جهاد اصغر را انجام دهد یا در مجلس یزید با خطبه‌های روشنگرانه در مقابل یزید و دستگاه طاغوت بایستد و جهاد اکبر انجام دهد. حضرت زینب علیها السلام در مذمت یزید می‌گویند: در روز جزا با همین حال امروزت که مسئول قتل خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و هتک کننده حرمت رسول خدا هستی وارد عرصه قیامت می‌شوی، سپس فرمودند: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ» (آل عمران/۱۶۹). همچنین وقتی یزید شعر زیر را خواند:

لَيْتَ أَشْيَاخِي بِيَدِ شَهِدُوا	جَزَعَ الْخَزْرَجِ مِنْ وَقَعِ الْأَسَلِ
فَأَهْلَكُوا وَاسْتَهْلَكُوا فَرَحًا	ثُمَّ قَالُوا: يَا يَزِيدُ لَا تُشَلَّ
لَعِبَتِ هَاشِمٌ بِالْمُلْكِ، فَلَا	خَبْرٌ جَاءَ وَلَا وَحْيٌ
نَزَلَ لِسْتُ مِنْ عُتْبَةَ إِنْ لَمْ أَنْتَقِمِ	مِنْ بَنِي أَحْمَدَ مَا كَانَ فَعَلًا.

حضرت زینب علیها السلام در پاسخ فرمودند: «ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَسَاؤُا السُّوَايَ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِؤْنَ» (روم/۱۰). یعنی اگر تو امروز با این اشعار کفرآمیز، اسلام و ایمان را انکار می‌کنی و به نیاکان مشرکت که در جنگ بدر به دست مسلمانان کشته شدند می‌گویی ای کاش بودید و انتقام‌گیری مرا از خاندان بنی‌هاشم می‌دیدید، جای تعجب نیست چون این همان چیزی است که خدا فرموده است: «مجرمان سرانجام آیات ما را تکذیب می‌کنند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۷۵/۱۶). این جنایات و این تعدی‌ها فقط به خاطر آن است که انجام اعمال زشت در یزید نهادینه شده است.

نکته مهم در خطبه‌های حضرت زینب علیها السلام عدم پرداختن به مشکلات شخصی و ناراحتی ایشان از فجایع کربلا است؛ بلکه برعکس در مقام یک رهبر سیاسی - دینی به دنبال روشنگری و مثبت‌اندیشی نسبت به آینده بودند و این به دلیل ایمان قوی، خشوع و خضوع در پیشگاه خداوند است چرا که ایشان به رضوان الهی دست یافته بودند.



وقتی انسان دچار سانحه دلخراشی می‌شود، بی‌تابی و در مواردی از قضا و قدر الهی گلایه می‌کند. مسلم است که حضرت زینب (ع) با دیدن فجایع کربلا و از دست دادن عزیزانش ناراحت و غمگین است. برای نمونه وقتی وارد مجلس یزید شدند و سر برادر را در تشتی از طلا مشاهده کردند جمله «یا حُسیناه یا حبیب الله یابن مَکَّة و مِنی یابن فاطمه الزهرا سیده النساء یابن بنتِ الْمُصطفی» (ابن طاووس، بی‌تا، ۱۷۹؛ عاشور، ۱۴۳۰: ۶۵/۱۶) را گفتند؛ اما خشیت و فروتنی ایشان مانع از آن است که به گلایه از خداوند بپردازند. در واقع عالم بودن به مقام شامخ و بزرگ الهی موجب فروتنی و تواضع می‌شود. بنابراین متن خطبه‌ها، مخاطبان، نوع بیان و فضای موجود نشان می‌دهد که ایشان در حال جهاد تبیین هستند. امام علی (ع) در توصیف جهاد فرمودند: «فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّةٍ أَوْلِيَاءِهِ» (نهج البلاغه، خطبه ۲۷؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۵). ضمیر «ه» در «فتح» به جهاد در راه خدا باز می‌گردد و اولیاء الهی تنها کسانی هستند که این راه را با نیت خالص و تا آخرین مرحله می‌پیمایند و دیگران گاه با نیاتی آلوده و انتظار غنیمت و یا کسب نام و شهرت و امثال آن در این میدان گام می‌نهند و تا آخرین مرحله پیش نمی‌روند اما مجاهدان حقیقی همچون حضرت زینب (ع) جهاد را همچون لباسی می‌دانند که مایه عزت و سربلندی خود و اقوام است. به عبارتی دیگر آغاز کلام با حمد و ستایش الهی، استناد به آیات قرآن در خطبه‌ها، سخنرانی به جهت آگاه‌سازی مخاطبان در وقایع انجام شده و معرفی واقعی چهره یزید نشان از آن دارد که حضرت زینب (ع) قصد داشتند تا مسئولیت امر به معروف و نهی از منکر امام حسین (ع) را به پایان برسانند.

۲. ویژگی رضوان در بعد شناختی

شخصیت حضرت زینب (ع) از دیدگاه علما و مورخان فریقین به نیکی یاد شده است. در مقاتل الطالبین آمده است: «زینب العقیله بنت علی بن ابی طالب و امها فاطمة بنت رسول الله؛ و العقیله هی الّتی روی ابن عباس عنها کلام فاطمه فی فدک، فقال: حدّثتني عقيلتنا زينب بنت علي» (نقدی العماری، ۱۳۶۲: ۲۷؛ بحرانی، بی‌تا، ۹۵۱/۱۱)، همچنین در کتاب‌های رجال اهل سنت آمده است: «زینب بن ابی طالب بن عبدالمطلب الهاشمیه» (ابن اثیر، ۱۴۰۹: ۶۹۵۶؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ۳۴۰۲).



حضرت زینب علیها السلام در حیات رسول خدا به دنیا آمد. وی بانویی عاقله، خردمند و نیکو رای بود.^۱ پدرش، امام علی علیه السلام او را به عقد عبدالله بن جعفر درآورد که از وی صاحب فرزندی شد. حضرت هنگامی که امام حسین علیه السلام در کربلا به شهادت رسیدند، حضور داشتند و به اسارت نزد یزید در شام برده شدند. کلام زینب بنت علی علیها السلام هنگامی که مرد شامی دخترش فاطمه را به عنوان هدیه از یزید درخواست کرد، مشهور و نشان‌دهنده عقل و خردمندی ایشان است (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵: ۱۶۶/۸-۱۶۷؛ ابن جزری، ج ۶، ص ۱۳۳).

صفت «عقیله» توسط علمای فریقین به وفور درباره حضرت زینب علیها السلام گفته شده است. عقیله، صیغه مبالغه از ریش «ع.ق.ل»، به معنای نیرویی است که نفس با آن محافظت شده و از هوا و هوس بازداشته می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴۵۸/۱۱) و فرد توانایی تشخیص کار درست از نادرست را در امور مادی و معنوی دارا است (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۲۳۸/۸). عبارت «فلائة عقیلة قومها» یعنی بانویی اندیشمند که به کرامت و نیکی در بین قوم یاد می‌شود (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱۷۲/۴). همچنین عبارت «وامراه جزله» به معنای بانویی است که در بیان و رأی از قدرت بیان بالایی برخوردار است (ابن جوزی، بی‌تا: ۵۹۹/۲). بنابراین در عصری که زن هنوز از جایگاه والایی برخوردار نیست و آموزه‌های وحی در دل مردم تثبیت نشده، مورخان از حضرت زینب علیها السلام به عنوان بانویی یاد می‌کنند که به عقل و درایت مشهور و در بیان از قدرت بالایی برخوردار هستند.

استفاده از ابزار عقل در آگاهی بخشی به مخاطب در بیان قرآن کریم و اهل بیت به خوبی نمایان است. در فرازهایی از خطبه‌های حضرت زینب علیها السلام که با هدف آگاهی دادن به مردم کوفه و شامیان صورت گرفته همگی برگرفته از قوه درایت و تدبیر ایشان است. بنا بر شواهد تاریخی علت حرکت امام حسین علیه السلام به سوی کوفه به جهت نامه‌های مکرری بود که از سوی پیک‌های گوناگون بر امام علیه السلام وارد می‌شدند و از ایشان یاری دین خدا و رهایی از ظلم موالی یزید را خواستار بودند (طبری، بی‌تا: ۳۵۲/۵؛ ابن اثم

۱. «کانت عاقله لبیبه جزله».

کوفی، ۱۴۱۱: ۲۷/۵؛ یعقوبی، بی تا: ۲۴۲/۲؛ اما مردم در این راه کارشکنی کرده و با ورود ابن زیاد به کوفه از خواسته‌های خود عقب‌نشینی کردند و امام علیه السلام را تنها گذاشتند (طبری، بی تا: ۳۵۸/۵؛ مفید، ۱۴۱۳: ۴۴/۲). حضرت زینب علیه السلام نیز پس از واقعه کربلا در تمثیلی نمادین با استناد به آیه ۹۲ سوره نحل، رفتار کوفیان با امام حسین علیه السلام و عهدشکنی آنان را نشان‌دهنده کم‌خردی و سستی رأی ایشان دانسته و چنین به تصویر می‌کشد: «إِنَّمَا مَثَلُكُمْ كَمَثَلِ الْيَتَامَى نَقَضَتْ غَزْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا تَتَخَذُونَ آيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ» (ابن اعثم، ۱۴۱۱: ۲۲۱/۵-۲۲۶؛ مفرم، ۱۴۲۶: ۴۲/۲-۴۰). رفتار کوفیان مثل زنی است که پس از رسیدن و تبدیل پنبه به نخ، با زحمت فراوان آن نخ را باز می‌کند. کوفیان نیز برای امام حسین علیه السلام نامه فرستادند و ایشان را به کوفه دعوت کردند و قسم‌ها خوردند اما همین که عده و غده دشمن را زیاده‌تر از خود دیدند از ترس جان و مال با نیرنگ و فریب قسم خود را شکستند در حالی که وفای به عهد در اسلام مسأله مهمی است حتی اگر این پیمان با غیرمسلمان یا دشمن بسته شود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «ثَلَاثَةٌ لَا عُذْرَ لِأَحَدٍ فِيهَا أَدَاءُ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ وَالْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ وَبِرُّ الْوَالِدَيْنِ بَرِّينِ كَانَا أَوْ فَاجِرَيْنِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۳۲/۵). به همین جهت حضرت زینب علیه السلام می‌فرماید: «يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ يَا أَهْلَ الْخَتْلِ وَالْغَدْرِ وَالْخَذَلِ أَلَا فَلَا رَقَاتِ الْعَبْرَةَ وَلَا هِدَايَةِ الزُّفْرَةِ» و آنان را با عنوان «اهل خدعه و نیرنگ» یاد می‌کند. مردمانی که سراسر کینه، دو رویی و تملق هستند و رفتارشان همچون کنیزکانی است که برای جلب توجه به چاپلوسی می‌پردازند. این رفتارها جز حقارت و ذلت چیز دیگری در پی ندارد. سپس به جهت مذمت ایشان می‌فرماید: «أَلَا بئسَ مَا قَدِمَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ».

استفاده از قالب استفهام و پرسش‌های مکرر در هنگام سخن گفتن از دیگر روش‌هایی است که مخاطب را به اندیشه وادار می‌دارد. حضرت زینب علیه السلام به خوبی از این شیوه استفاده کردند. در شام وقتی یزید شروع به ستایش خود می‌کند: «اجداد و نیاکان من کجایند که ببیند با نوادگان هاشم چه‌ها کردم؟!»، حضرت زینب علیه السلام در پاسخ به سخنان یزید می‌فرماید: «إِنَّ بَنِي آلِ اللَّهِ هَوَانًا وَبِكَ عَلَيْهِ كَرَامَةٌ؟ وَإِنَّ ذَلِكَ لِعِظَمِ خَطَرِكَ عِنْدَهُ؟ فَشَمَخْتَ بِأَنْفِكَ وَنَظَرْتَ مِنْ عِطْفِكَ جَذْلَانَ مَسْرُورًا... حِينَ رَأَيْتَ الدُّنْيَا



لک مُسْتَوْسِعَةً وِ الْاُمُورَ مُتَسِقَةً وِ حِينَ صَفَا لَكَ مُلْكُنَا وِ سُلْطَانُنَا» (طبرسی، ۱۴۰۳: ۳۰۸/۲؛ ابن طیفور، ۱۹۰۸: ۲۶؛ صفوت، بی تا: ۱۳۷/۲). قالب استفهام به دو صورت اصلی و فرعی کاربرد دارد، در صورت اصلی هدف، سؤال پرسیدن از مخاطب و رفع ابهام است اما در صورت فرعی، هدف از سؤال پرسیدن می تواند امر، نهی، ترساندن، بزرگ داشتن چیزی یا مقامی، وعده دادن، تنبیه و توجه و یا از نوع استفهام انکاری باشد (هاشمی، ۱۳۸۶: ۶۲-۶۳). سؤالات حضرت زینب علیها السلام از یزید از نوع استفهام انکاری و انکار جملات و رفتار یزید است. در واقع حضرت بدون ترس و کوچک ترین تردید و با تکیه بر ایمان، با این شیوه در جهت آگاهی رساندن به کسانی است که در مجلس یزید هستند و حتی اشاره می کند که این ملکی که امروز در دست توست جایگاه ماست و به عبارتی اشاره به آیه «قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ» (آل عمران/۲۶) دارد؛ یعنی حکومت ابزاری است که خداوند به جهت آزمایش انسان ها به آنان می دهد و برای برخی نعمت و برای برخی همین سلطنت نعمت و گمراهی است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۳۱/۳).

توجه به مسأله عدالت با یک قیاس منطقی توسط حضرت زینب علیها السلام، یادآوری دیگری است مبنی بر این که حاکم مسلمین بایستی عادل باشد. در سال هشتم هجری پس از نقض صلح حدیبیه توسط قریش، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای فتح مکه در دهم رمضان عازم بیت الله الحرام شد (ابن خلدون، ۱۴۲۵: ۴۵۸/۲) و فتح مکه در روز ۲۱ ماه رمضان انجام شد (طبری، بی تا: ۳۴۳/۲). سعد بن عبادۀ با پرچمی که به دست داشت از مقابل ابوسفیان گذشت و گفت: ای ابوسفیان امروز روز خون ریختن است. وقتی رسول خدا به ابوسفیان رسید، ابوسفیان گفت: آیا شما دستور دادید که خویشاوندان را بکشند؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «الیوم یوم الرحمة» (واقعی، ۱۴۰۹: ۸۲۱/۲-۸۲۲). او رو به اشراف قریش کرده و فرمود: حال چه می گوید؟ گفتند: خیر و نیکی، تو برادر و برادرزاده ما هستی که اکنون به قدرت رسیده ای. رسول خدا فرمود: من همان را می گویم که برادرم یوسف به برادرانش گفت: «لَا تَثْرِبَ عَلَیْکُمْ الْیَوْمَ یَغْفِرُ اللَّهُ لَکُمْ وَ هُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِینَ» (یوسف/۹۲؛ واقعی، ۱۴۰۹: ۸۳۵/۲) و بدین ترتیب ابوسفیان و دیگر کسانی که رحمت پیامبر صلی الله علیه و آله شامل حالشان شده بود به «طلاق» معروف شدند (حمیری، ۱۳۷۱: ۳۸۴). پس بر

سر در کعبه ایستاد و عفو عمومی اعلام کرد؛ اما یزید در جریان واقعه کربلا رفتارهای خلاف جوانمردی انجام داد. شعری که یزید در مجلس اسیران خواند تأیید کننده چنین اندیشه‌ای است. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «الْمَرْءُ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ فَإِذَا تَكَلَّمَ ظَهَرَ» (طوسی، ۱۴۱۴: ۴۹۴). با اشعاری که یزید خواند معلوم شد که قضایای رخ داده را یک تسویه حساب شخصی می‌داند. بدین جهت حضرت زینب (علیها السلام) در فرازی از خطبه در مجلس یزید جهت یادآوری می‌فرماید: «أَمِنَ الْعَدْلُ يَا ابْنَ الْطُلُقَاءِ تَخْدِيرُكَ نَسَاؤُكَ وَإِمْاءُكَ وَسَوْفَكَ بَنَاتُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَدْ هَتَكَتِ سَتُورَهُنَّ وَأَصْحَلَتْ صَوْتَهُنَّ مَكْتَتَاتٍ تَخْدِي بِهِنَ الْأَبَاعِرَ وَيَحْدُو بِهِنَ الْأَعَادِي مِنْ بَلَدٍ إِلَى بَلَدٍ لَا يَرَاقِبْنَ وَلَا يُؤْوِينَ يَتَشَوَّفُهُنَّ الْقَرِيبُ وَالْبَعِيدُ لَيْسَ مَعَهُنَّ وَلِيٌّ مِنْ رَجَالِهِنَّ» (ابن طیفور، ۱۹۰۸: ۲۶). در واقع حضرت با بیان جمله «أَمِنَ الْعَدْلُ يَا ابْنَ الْطُلُقَاءِ؟!» به عدالت اشاره می‌کند. یعنی «بر فرض که تمام کارهایی که تو ای یزید با خاندان رسول خدا انجام دادی یک تسویه حساب شخصی بود آیا یادت نمی‌آید که در جریان فتح مکه رسول خدا با خاندان تو و زنان حرم ابوسفیان با احترام رفتار کرد؟ چرا این‌طور رعایت نکردی و عدالت را پیشه نکردی» و این نهایت ظلم یک نفر را می‌رساند که در تمام موارد خود را بر حق می‌داند.

عباراتی که به‌عنوان شاهد در بیان اندیشمندی و عقیده بودن حضرت زینب (علیها السلام) ذکر شد، علاوه بر این که بیانگر شهامت و شجاعت ایشان است، رشادت‌های جهادگونه ایشان را در به تصویر کشیدن چهره دشمن و نفاق کوفیان نشان می‌دهد. ایشان بدون هیچ ترس، رعب و اضطرابی از یزید با استفاده از جملات سرزنشی و انکاری، به دنبال به چالش کشیدن سبک زندگی یزید و سیاست‌های جاهلی وی است. از سوی دیگر از جهاد و مجاهدت دفاع می‌کند و این به‌خاطر مشاهده عظمت و قدرت الهی است که همان خشوع انسان راضی به رضای الهی است.

۳. ویژگی رضوان در بعد عاطفی - هیجانی

یکی دیگر از نکات برجسته و متفاوت در شخصیت حضرت زینب (علیها السلام) از نظر بُعد عاطفی - هیجانی تفاوت خطبه‌های ایشان به خصوص خطبه شام، با سایر وقایع عاشورا



است. بنا بر نقل‌های تاریخی وقتی اسیران کربلا وارد مجلس ابن مرجانه می‌شوند، در پی گفت و گویی ابن مرجانه خطاب به حضرت زینب علیها السلام می‌گوید: دیدی که خداوند با برادرت چه کرد؟ و چگونه کشته شد؟ ایشان در پاسخ می‌فرمایند: «لَعَمْرِي لَقَدْ قَتَلْتَ كَهْلِي وَ قَطَعْتَ فَرْعِي وَاجْتَثْتَ أَصْلِي». آن‌گاه در حالی که بغض گلویش را می‌فشارد و دانه‌های اشک بر صورتش جاری بود فرمود: «فَإِنْ تَشَقَّيْتَ بِهَذَا فَقَدْ اِشْتَفَيْتَ» (ابن اثیر، بی‌تا: ۲۸۱/۴؛ طبری، بی‌تا: ۳۴۹/۴؛ ابن طاووس، بی‌تا: ۲۹۳). امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: وقتی امام حسین علیه السلام در روز دوم محرم سال ۶۱ هجری قمری به منطقه کربلا می‌رسد می‌گوید:

یا دهر افّ لک من خلیل کم لک بالاشراق و الاصلیل
من طالب و صاحب قتیل والدهر لا یقنع بالبدیل
و ائّما الامر الی الجلیل و کلّ حیّ فالی سبیل
ما اقرب الوعد الی الرّحیل الی جنان و الی مقیل

وقتی حضرت زینب علیها السلام این سخنان را شنیدند، گفتند: «برادرم این سخن کسی است که به مرگ خود یقین دارد؟». فرمود: «آری خواهرم». حضرت زینب علیها السلام گفت: «وای بر من، حسین مرا خبر از مرگ خود می‌دهد، پس زنان گریستند و لطمه بر چهره‌ها زده گریبان چاک زدند» (یعقوبی، بی‌تا: ۲۴۴/۲؛ بلاذری، ۱۴۱۷: ۱۸۵/۳-۱۸۶). در این لحظه ام‌کلثوم ندا برداشت: «وا محمّدا و اعلیاه و امّاه و فاطمتا و حسنا و حسینا». وای از ضایعه بعد از تو ای ابا عبدالله. امام حسین علیه السلام خواهر را تسلی داد و فرمود: «یا اختاه تعزّی بعزاء الله، فإنّ سکان السموات یموتون و اهل الارض لا یبقون و جمیع البریه یهلکون، یا اختاه یا امّ کلثوم! و انت یا زینب و انت یا رقیة و انت یا فاطمه و انت یا رباب! انظرن اذا انا قتلت فلا تشقن علیّ جیبا و لا تخمشن علیّ وجهها و لا تقلن علیّ هجرا» (ابومخنف، ۱۴۳۳: ۲۳۱).

در گزارشی دیگر، روز دهم محرم وقتی امام حسین علیه السلام از شدت جراحت از پای درآمد، حضرت زینب علیها السلام از خیمه بیرون آمد و صدا می‌زد: «وا أخاه و سیداه و اهل بیتاه لیت السماء أطبقت علی الارض و لیت الجبال تدکدکت علی السهل» (ابن طاووس، بی‌تا: ۱۲۴-۱۲۵؛ طبری، ۱۳۹۷: ۲۶۲ که با اندکی تغییر آمده است). یا در مجلس یزید وقتی

حضرت زینب علیها السلام سر مبارک امام حسین علیه السلام را دیدند، فرمودند: «یا حُسَیناه یا حَبِیبَ الله یا بَنَ مَکَّه و مِنی یا بَن فاطمه الزهرا سیده النساء یا بَن بَنَتِ الْمُصْطَفی» (ابن طاووس، بی تا: ۱۷۹؛ عاشور، ۱۴۳۰: ۶۵/۱۶). بنابراین بیان احساسات و محبت حضرت زینب علیها السلام نسبت به امام حسین علیه السلام به صورت شعر سوزناک، مدیحه سرایی، اشک و اندوه قبل و بعد از عاشورا طبیعی و از هر انسان سالمی بدیهی است؛ اما ایشان در خطبه هایشان بُعدی دیگر از عواطف و احساسات را به نمایش گذاردند که متناسب با حال و مقتضای مخاطب است که از آن در علم روان شناسی با «هوش هیجانی» یاد می شود.

هوش هیجانی^۱ مجموعه توانایی هایی است که به ما کمک می کند هیجانات خود و دیگران را تشخیص داده و مدیریت کنیم. مؤلفه های هوش هیجانی از نظر دنیل گلمن شامل: ۱. خود آگاهی^۲، ۲. خود مدیریتی^۳، ۳. خود انگیزشی^۴، ۴. دیگر آگاهی^۵ و ۵. دیگر مدیریتی^۶ است (گلمن، ۱۹۹۰).

هدف از به اسارت بردن اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و شهر به شهر گرداندن، برپایی مجالس بزرگ در کوفه و شام و آذین بندی خیابان های شام؛ ایجاد ترس و وحشت در دل زنان و کودکان و ایجاد جنگ روانی بر علیه خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله بود. همین موارد کافی است تا فرد از لحاظ عاطفی دچار شکست و افسردگی شود؛ اما حضرت زینب علیها السلام در فرایزی از خطبه به یزید می فرماید: «أُظَنَّتْ یا یَزِیدُ حَیْثُ أَخَذْتَ عَلَیْنَا أَقْطَارَ الْأَرْضِ وَ أَفَاقَ السَّمَاءِ فَأَصْبَحْنَا نُسَاقُ کَمَا تُسَاقُ الْأَسْرَاءُ أَنْ بَنَّا هَوَانًا عَلَیْهِ وَ بَكَ عَلَیْهِ کَرَامَةً» (ابن طاووس، بی تا: ۱۸۱). در واقع یزید با کارهایش قصد داشت نشان دهد که در مقابل امام حسین علیه السلام و یارانش پیروز بوده است. این اندیشه برای حضرت زینب علیها السلام قابل قبول نبود و گفتند: این کارها موجب نمی شود که ما احساس خواری کنیم و فکر کنیم که شکست خورده ایم چون بنا بر قول الهی «مَنْ كَانَ یُرِیدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِیعاً ... وَالَّذِينَ یَمْکُرُونَ السَّیِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِیدٌ وَ مَكْرٌ أُولَئِکَ هُوَ یُبْور» (فاطر/۱۰). عزت فقط برای

1. Emotional intelligence.
2. Self- awareness.
3. Self- regulation.
4. Self- motivation.
5. Empathy .
6. Social skill.



خداست و عمل امروز یزید خدعه و جنگ روانی بیش نیست. بیان حضرت زینب علیها السلام نشان می‌دهد که در درجه اول خویشتن و هدفش را به‌خوبی می‌شناسد و تاریخ را نیز به‌خوبی به یاد دارد؛ چرا که معلم حضرت زینب علیها السلام، امام علی علیه السلام بوده همان‌طور که معلم یزید، عمروعاص و معاویه بن ابوسفیان بوده است و وقایع بهانه خون‌خواهی قاتلین عثمان و جنگ صفین و نیرنگ حکمیت را فراموش نکرده است. پس این رفتار یزید را جنگ روانی بیش نمی‌داند.

خودشناسی اولین قدم هوش هیجانی است که در خطبه‌های حضرت نمایان است و آن را به‌خوبی مدیریت می‌کند. به‌طوری که اسارت را هر چند سخت است در شأن خود نمی‌داند چون معتقد است عزت نزد خداوند است. به عبارتی انسانی که به مقام رضوان الهی دست یافته اول بایستی خود و هدفش را به‌خوبی بشناسد و بداند که در این دنیا چه وظیفه‌ای دارد. برای قدم در این راه بایستی از خود مراقبت کرد و تقوا داشت و این گوهر گرانبها را به هر کسی نفروخت و این همان معنای تقوایی است که انسان راضی به رضای الهی به دنبال آن است.

قدم دوم در مدیریت هیجانات و عواطف بعد از خودشناسی، شناخت دیگران است. حضرت زینب علیها السلام نه تنها خود را به‌خوبی می‌شناسد حتی یزید را نیز به‌خوبی می‌شناسد و در معرفی وی می‌فرماید: «وَ كَيْفَ يُرْتَجَى مُرَاقَبَةُ مَنْ لَفَظَ فُوهَ أَكْبَادِ الْأَزْكَيَاءِ وَ نَبَتَ لَحْمُهُ مِنْ دِمَاءِ الشُّهَدَاءِ وَ كَيْفَ يَسْتَبْطِئُ فِي بُغْضِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ مَنْ نَظَرَ إِلَيْنَا بِالشَّنَفِ وَ الشَّنَانِ وَ الْإِخْنِ وَ الْأُضْغَانِ» (ابن طاووس، بی‌تا: ۱۸۲-۱۸۳). از چنین فردی طبیعی است که به جسم بی‌جان جسارت کند و با چوب خیزران به لب و دندان امام حسین علیه السلام بزند و اشعار «ای کاش بزرگان من که در روز جنگ بدر کشته شدند، زاری قبیله خزرج را از فرودآمدن ضربات ما می‌دیدند و از شادی فریاد می‌زدند و می‌گفتند: دست مریزاد ای یزید! به جای جنگ بدر بزرگان و مهتران آنها را کشتیم و بی‌حساب شدیم...» را بخواند (همان، ۱۸۰-۱۸۱). در کلام یزید نگرانی، حرص حکومت و بغض به نوادگان پیامبر صلی الله علیه و آله مشهود است. هدف حضرت زینب علیها السلام با بیان جمله «وَ كَيْفَ يُرْتَجَى مُرَاقَبَةُ مَنْ لَفَظَ فُوهَ أَكْبَادِ الْأَزْكَيَاءِ» این است که از چنین شخصی نمی‌توان انتظار خوبی و نیکی داشت چون

احساسات و اندیشه وی بوی جاهلی می دهد و کسی که چنین می اندیشد خط فکری اش با اسلام یک خط موازی است که هیچ گاه به هم نمی رسند. در واقع حضرت با این کلام بدون ترس و با صداقت اندیشه خود را درباره یزید بازگو می کند.

یکی از مؤلفه های مهم دیگر در هوش هیجانی «خود انگیزی» است. یعنی فرد بر اساس تشویق، پول و قدرت رفتار نمی کند بلکه انگیزه هایی بالاتر مثل رشد و تعالی فردی، کسب اعتماد به نفس و از همه والاتر کسب رضایت خداوند عمل می کند. رفتار حضرت زینب علیها السلام نیز در هنگام بیان خطبه ها به قدری مطمئن و مسلط است که از گزند به نفس خود هیچ ابا و ترسی ندارد و به تمام معنا، راضی به رضای الهی است. فضای موجود در مجلس یزید موجب نشد که حضرت سکوت کردن و عزلت گزینی را انتخاب نمایند و حتی در مواردی یزید را مورد سؤال قرار داده و احساسات جمع را تحریک می کردند و می فرمودند: «أَمِنْ الْعَدْلِ يَا ابْنَ الطَّلَقَاءِ تَخْدِيرُكَ حَرَائِرِكَ وَإِمَاءَكَ وَ سَوْقَكَ بَنَاتِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ سَبَايَا قَدْ هَتَكَتْ سِتُورَهُنَّ وَأَبْدَيْتِ وُجُوهَهُنَّ» (ابن طاووس، بی تا: ۱۸۲). بنابر نقل های وارده فضای مجلس به گونه ای شد که هند دختر عبدالله بن عامر و همسر یزید که در پشت پرده، قضایا را مشاهده می کرد لب به اعتراض گشود (ابومخنف، ۱۴۳۳: ۲۷۰). این طور با خلیفه صحبت کردن خلیفه ای که بدترین کشتارها و جنایات را انجام داد و حتی پس از واقعه کربلا به مدینه حمله کرد و فجایع بدی را به وجود آورد (بلاذری، ۱۴۱۷: ۳۲۳/۵؛ دینوری، ۱۴۱۰: ۱/۱۸۴)، به مثابه جهاد در راه خدا و مبارزه با کفر و شرک است و از ویژگی های بارز انسانی است که تمام وجودش رضایت خداوند را به دنبال دارد؛ پس بدون کوچک ترین تردیدی می فرماید: «فَكَيْدَ كَيْدِكَ وَاسْعَ سَعْيِكَ وَ نَاصِبُ جُهْدِكَ قَوْلَ اللَّهِ لَا تَمْخُوْ ذِكْرَنَا وَلَا تُمِيتْ وَحَيْنًا وَلَا تُذَرِكْ أُمَّدَنَا وَلَا تَرْخُصْ عَنْكَ عَارَهَا وَ هَلْ رَأَيْكَ إِلَّا فَنَدٌ وَ أَيَّامُكَ إِلَّا عَدَدٌ وَ جَمْعُكَ إِلَّا بَلَدٌ» (ابن طاووس، بی تا: ۱۸۵). بنابر این خطبه های حضرت نشان می دهد که اگر امام حسین علیه السلام به عنوان یک انسان راضی در راه دین شهید شد، وظیفه من نیز جهاد با نفس و بیان حقیقت بدون واهمه ای به عنوان انسانی است که رضایت الهی را خواستار است و مشمول آیه «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ * ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً» (فجر/ ۲۷-۲۸) می شود.

نتیجه

بررسی معناشناسی کلمه «رضوان» در آیات الهی نشان می‌دهد: انسانی به مقام رضوان الهی دست می‌یابد که ویژگی‌هایی هم‌چون ایمان، انجام عمل صالح، داشتن نفس مطمئنه، خشوع و تواضع، تقوا، عبادت، صدق، جهاد در راه خدا به هر دو صورت جهاد با نفس یا جهاد با دشمن و بیزاری از دشمنان خدا و رسولش را داشته باشد. همچنین بررسی سه بعد روحی-معنوی، شناختی و عاطفی-هیجانی بر اساس خطبه‌های شام و کوفه نشان می‌دهد که حضرت زینب علیها السلام با تمام سختی‌هایی که متحمل شده بودند در بیان خطبه‌ها از موضع شخصی به مسائل و وقایع پیش آمده نگاه نکرده و نگاهی دینی به وقایع دارند. این ویژگی مهم حضرت است که به مقام رضوان رسیده و دارای نفس مطمئنه است. در بعد روحی-معنوی، حضرت زینب علیها السلام آغاز و پایان خطبه‌ها را با حمد و ثنای الهی آغاز نموده و به پایان می‌برند، همچنین استفاده از آیات الهی و استناد به آن وجه دیگری از بعد روحی-معنوی ایشان است. حضرت زینب علیها السلام بنا بر نقل مورخان با عناوینی همچون «عقیله بنی‌هاشم»، «عالمه غیر معلمه» و «عاقله لبیبه جزله» یاد شده و خطبه‌های ایشان با معرفی شخصیت حقیقی یزید، پرسش انکاری از یزید در واقعیت ماجرای رخ داده، پرسش از عدالت به جهت تنبه و آگاهی دادن به وی و به خصوص مخاطبان حاضر و غایب؛ درایت، هوشمندی و نهایت عقل حضرت زینب علیها السلام را می‌رساند. در برخی موارد حضرت زینب علیها السلام به مدیحه سرایی، گریه و نوحه پرداختند اما رویکردشان در بیان خطبه‌ها متفاوت است. بررسی فرازهای خطبه از نظر بعد عاطفی-هیجانی نشان می‌دهد که ایشان به‌خوبی خود را می‌شناسند و شخصیتشان را مدیریت می‌کنند، همچنین شناخت خوبی از یزید و افکار وی دارند و با جنگ روانی‌ای که یزید به راه انداخته مجلس را به‌خوبی مدیریت می‌کنند. حضرت با بیان جملات انگیزشی به حقیقت‌جویان نوید می‌دهند که ذکر الهی و چراغ حق خاموش نخواهد شد که چنین عملکردی در بعد عاطفی، هوش هیجانی نام دارد. بنابراین حضرت زینب علیها السلام به‌عنوان انسانی با ایمان که با تمام وجود خداوند متعال را می‌پرستد و تقوای الهی را رعایت می‌کند به درجه‌ای از خودشکوفایی می‌رسد که در قرآن از آن به عنوان



نفس مطمئنه یاد می‌شود و نمود آن را می‌توان در بیان خطبه حضرت دریافت کرد که سرشار از معنویت، عقلانیت و مدیری توانمند در جهاد تبیین است.

منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- ابن اثیر، علی بن محمد (بی‌تا)، الکامل فی التاریخ، تصحیح ابوصهیب کرمی، اردن، بیت الافکار الدولیه.
- ابن اعثم کوفی، محمد بن علی (۱۴۱۱)، الفتوح، بیروت، دار الأضواء.
- ابن جوزی، جمال الدین أبو الفرج (بی‌تا)، کشف المشکل من حدیث الصحیحین، تحقیق علی حسین البواب، ریاض، دارالوطن.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۲۵)، مقدمه ابن خلدون، دمشق، داریرعرب.
- ابن طاووس، علی بن موسی (بی‌تا)، اللهوف علی قتلی الطفوف، تهران، جهان.
- ابن طیفور، احمد بن ابی طاهر (۱۹۰۸)، بلاغات النساء، تصحیح احمد الانفی، قاهره، مطبعه مدرسه والده عباس الاول.
- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله (۱۴۱۲)، الاستیعاب، بیروت، دارالجلیل.
- ابن فارس، أحمد (۱۴۰۴)، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابومخنف، لوط بن یحیی (۱۴۳۳)، وقعه الطف، بیروت، مجمع جهانی اهل بیت (ع).
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، تحقیق جمال الدین میردامادی، دارالفکر.
- ابن حجر عسقلانی، علی بن محمد (۱۴۱۵)، الإصابه فی تمییز الصحابه، تحقیق عادل أحمد عبد الموجود وعلی محمد معوض، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- احمدی، بابک (۱۴۰۰)، از نشانه های تصویری تا متن، تهران، زرکوب.
- بحرانی، عبدالله (بی‌تا)، عوالم العلوم و المعارف والاحوال، قم، مدرسه الامام المهدی (عج).
- برک، لورا (۱۳۸۹)، روانشناسی رشد، تهران، ارسباران.
- بلاذری، أحمد بن یحیی (۱۴۱۷)، جمل من أنساب الأشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دار الفکر.

- پالمر، فرانک رابرت (۱۴۰۰)، نگاهی تازه به معنی‌شناسی، تهران، مرکز.
- حسینی زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴)، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق علی هلالی و علی سیری، بیروت، دارالفکر.
- حمیری، عبد الله بن جعفر (۱۳۷۱)، قرب الإسناد، قم، مؤسسه آل البيت علیه السلام لإحياء التراث.
- دینوری، ابن قتیبہ (۱۴۱۰)، الامامہ و السياسه، بی‌جا، دارالاضواء.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، مفردات ألفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدنان داوودی، بیروت، دارالقلم.
- صفوت، احمد زکی (بی‌تا)، جمهره خطب العرب فی عصور العربیه الزاهره، بیروت، المکتبه العلمیه.
- صفوی، کوروش (۱۳۸۷ش)، درآمدی بر معناشناسی، تهران، سوره مهر.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق محمد جواد بلاغی، تهران، ناصرخسرو.
- طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳)، الاحتجاج، تحقیق محمد باقر خراسان، مشهد، نشر مرتضی.
- طبری، محمد بن جریر (بی‌تا)، تاریخ الطبری: تاریخ الأمم و الملوک، بیروت، بی‌نا.
- _____ (۱۳۹۷)، استشهاد الحسین علیه السلام (مقتل الحسین علیه السلام) از تاریخ طبری، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴)، امالی، قم، دارالثقافه.
- عاشور، علی (۱۴۳۰)، الصحیح من سیره الإمام الحسین بن علی علیه السلام، بیروت، مؤسسه التاريخ العربی.
- ابن اثیر، عزالدین (۱۴۰۹)، أسد الغابہ فی معرفه الصحابه، تحقیق محمد ابراهیم البنا و محمود عبد الوهاب فاید، بیروت، دارالفکر.
- قرائنی، محسن (۱۳۸۳)، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درسهای از قرآن.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، الکافی، تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
- گلمن، دنیل (۱۹۹۰)، هوش هیجانی، ترجمه غلامحسین خانقائی، تهران، نسل نو اندیش.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد (۱۴۰۳)، بحار الأنوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی.

- مصطفوی، حسن (۱۳۶۸)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳)، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم، کنگره شیخ مفید.
- مقرر، عبدالرزاق (۱۴۲۶)، مقتل الحسین، بیروت، مؤسسه الخراسان للمطبوعات.
- مقرئ فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، قم، مؤسسه دارالهجره.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۵). پیام امام امیرالمومنین، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- _____ (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- نقدی العماری، جعفر (۱۳۶۲)، زینب الکبری بنت الامام امیرالمومنین علی بن ابیطالب، قم، الشریف الرضی.
- واقدی، محمد بن عمر (۱۴۰۹)، المغازی، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- هاشمی، احمد (۱۳۸۶)، جواهرالبلاغه، قم، دارالعلم.
- یعقوبی، احمد بن اسحاق (بی تا)، تاریخ یعقوبی، بیروت، دار صادر.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی